

تنهایی من

خاطرات مریم نادری جاوید

مدیر انجمن کوتاه‌قامتان استان سیستان و بلوچستان

نگارنده

مریم نادری جاوید

سرشناسه	نادری جاوید، مریم، ۱۳۶۰.
عنوان و نام پدیدآور	تنهایی من: خاطرات مریم نادری جاوید (مدیر انجمن کوتاه‌قامتان استان سیستان و بلوچستان/ نگارنده: مریم نادری جاوید.
مشخصات نشر	زاهدان: دیار آفتاب، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۶۴ ص: مصور؛ ۲۱×۱۴ س.م.
شابک	978-622-98251-2-9
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
عنوان دیگر	خاطرات مریم نادری جاوید، مدیر انجمن کوتاه‌قامتان استان سیستان و بلوچستان.
موضوع	نادری جاوید، مریم، ۱۳۶۰ — خاطرات
رده‌بندی کنگره	CT1۸۸۸
رده‌بندی دیوپی	۹۲۰/۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۵۵۸۹۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیا



تنهایی من
مریم نادری جاوید
ویرایش، صفحه‌آرایی و طراحی جلد: ابوالفضل چاری
چاپ و صحافی: سام
نویت چاپ: اول: ۱۴۰۰
شمارگان: ۱۰۰ نسخه؛ وزیری؛ ۵۶ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۲۵۱-۲-۹ قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

ح تمام حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ است.
انتشارات دیار آفتاب: زاهدان، زیباشهر، نبش البرز و شورا تلفن: ۰۹۱۵۵۴۳۷۱۲۱

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۳	پدر
۶	مادر
۱۰	کودکی
۱۳	کتی
۱۵	نخستین روزهای مدرسه
۳۱	تشخیص بیماری و آغاز سفرهای مشهد
۳۳	دوران کوتاه راهنمایی
۳۶	ماه بی بی
۳۹	دیرستان یا گذر از راهنمایی
۴۲	گذر از دیرستان
۴۵	خواستگاری
۴۸	دورانی جدید با انجمن کوتاه قامتان بلند همت

مقدمه

دنیای این روزهای من، شبیه به دنیای هیچ‌یک از شما نیست. هر بخش از زندگی من آن قدر پرفرازونشیب است که می‌تواند یک رمان چندصفحه‌ای باشد. سعی کردم بخشی از غصه‌هایم را به فراموشی بسپارم؛ اما برخی از آن‌ها هرگز از ذهن و قلبم پاک نخواهد شد؛ مانند: تحقیرها، توهین‌ها، نگاه‌های همراه با نفرت... همه این‌ها دست به دست هم داد تا از من آدم متوازی و گوشه‌گیری بسازد که این انزوا و گوشه‌گیری، سال‌ها مرا از پیشرفت بازداشت. تنها افسوس من در زندگی این است که چرا نگاه دیگران، قضاوت و طرد فکرشان درباره من، یا بهتر بگویم درباره ظاهر من، برایم بسیار اهمیت داشت؛ آن‌هم ظاهری که بخش عمده‌ای از آن مطابق با خواسته من نبود و تا آخر عمر قابلیت تغییر نداشت. می‌بایست خود را با این ظاهر می‌پذیرفتم؛ هرچند پذیرفتم، اما دیر...!

قشنگ‌ترین آدم‌هایی که می‌شناسیم، کسانی هستند که شکست، رنج، مبارزه و خسران را شناخته و راه خود را از اعماق بازیافته‌اند. این افراد قدردان زندگی‌اند و نسبت به آن حساسیت و درکی دارند که آن‌ها

را از همدردی، مهربانی و نوعی توجه دوست‌داشتنی و عمیق سرشار می‌کند. «آدم‌های قشنگ، اتفاقی به وجود نمی‌آیند»^۱

در ابتدای این نوشتار، می‌خواهم به پاس قدردانی از صبوری، مهربانی و حمایت پدر و مادرم، از این دو فرشته زندگی بگویم؛ از پدرم که نماد صبوری، مهربانی و تلاش بود و به حمایت و پشتیبانی‌اش دلگرم بودم؛ اما اکنون که باید باشد و مرا ببیند، نیست!

از مادرم که با به دنیا آمدن من، دیگر نتوانست مانند قبل خوشحال باشد و از نگاه اندوهگینش این را می‌فهمیدم، هرچند هیچ‌گاه به روی خودش نیاورد؛ اما اکنون اگر سرپا ایستاده‌ام و بی‌ترس از قضاوت‌ها و با شجاعت و اطمینان روبه جلو گام برمیدارم، به خاطر قلب مهربان این دو عزیز است.

امیدوارم تا همیشه سایه مادر بر زندگی ما آکنده باشد.